

گزارش آخرین خبرها از مراسم بزرگداشت قتل عام شدگان ۶۷ در خاوران

ایران خبر - سلام دمکرات - میترا شجاعی

جمعه هشتم شهریور ۱۳۸۷

خاوران ممنوع

از لابلای نامه های رسیده به آژانس ایران خبر

۱۱ اردیبهشت، اول ماه مه روز جهانی گارگر با توطئه انجام نشد، ۱۸ تیر سرکوب شد و حتی سالگرد احمد شاملو با فشار دیکتاتوری و اطلاعات بر سر مزار انجام نشد و اینک نوبت سالگرد کشتار دسته جمعی مرقد پاک شهدای خاوران است. سران حکومت با برنامه ای از پیش تعیین شده اسباب سرکوب برای این روز را تدارک دیده بودند. علیرضا ثقفی روز دوشنبه ۴ شهریور همین هفته به اداره پیگیری اطلاعات احظار و تاکنون در بازداشت است. چهارشنبه هاله صفرزاده همسروی نیز احضار شده و طی اخطارهایی که از قبل به خانواده های این عزیزان داده شده بود از ابتدای هفته آنها را نیز احضار و تهدید و ارباب آنها را نیز آغاز نموده اند که شاید. که، نه، "حتما" جلوی برگزاری مراسم را بگیرند.

ممانعت از حضور بازماندگان قتل عام شدگان ۶۷ در خاوران

صبح روز جاری طبق سنت هر ساله، خانواده های زندانیان سیاسی قتل عام شده تابستان ۱۳۶۷ جهت گرامیداشت و برگزاری مراسم یادبود عزیزان خود عازم گورستان خاوران در جنوب شرقی تهران گردیدند. دستگاه امنیتی از روزهای گذشته با تهدید تعدادی از خانواده هایی که سابقه شرکت در این بزرگداشت را داشته اند قصد خود را جلوگیری از برگزاری این مراسم اعلام نمود، ساعاتی پیش که خانواده ها و افرادی که قصد شرکت در این مراسم را داشتند عازم منطقه مذکور گردیدند با حجم زیادی از نیروهای انتظامی و لباس شخصی روبرو شدند. نیروهای موتورسوار از قرارگاه حزب الله در حفاصله یک کیلومتری گورستان خاوران به منطقه مذکور اعزام و همچنین نیروهای انتظامی با حضور در منطقه خاورشهر، حفاصل ۵۰۰ متری گورستان خاوران در مسیر اصلی اتوبان به فاصله های اندکی از هم اتومبیلهای پلیس با تعدادی سرنشین را مستقر نموده بودند و اصلی ترین راه ورود به گورستان در ابتدای خیابان "آلبه زنک" را مسدود و از هرگونه تردد فرد و حرکت به سوی گورستان جلوگیری مینمودند. گزارش گردیده است در پی حضور نیروهای امنیتی و انتظامی در منطقه مذکور تعدادی از افرادی که قصد شرکت در مراسم را داشته اند بازداشت گردیده اند، هویت افراد مذکور مشخص نمی باشد.

این در حالی است که همچنان آقایان "محمد علی منصوری، علی صارمی، محسن نادری و میثاق یزدان نژاد" به اتهام شرکت در بزرگداشت در سال گذشته دستگیر گردیده بودند پس از گذشت یکسال بلاتکلیف و همچنان در زندان به سر می برند. شایان ذکر است سازمان عفو بین الملل در طی روزهای اخیر با اقدام به صدور اطلاعیه ای نگرانی خود را از بر

خورد دستگاه امنیتی با خانواده ها و شرکت کنندگان در مراسم خاوران اعلام داشته بود.

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

آخرین خبرهای دریافتی از خاوران

بنا به خبر رسیده امروز صبح در خاوران از صبح يك كيلومتر قبل و بعد از قبرستان، گشتهای نیروی انتظامی ایستاده بودند، و بغیر از گشت های سیاری که آنجا بودند، اجازه نمیدادند که هیچکس آنجا خودرواش را پارک کند، تا جایی که قبرستان ارمنه را هم بسته بودند و اجازه نمیدادند که کسی سر خاک عزیزش برود و او را برمیگرداندند. امروز اجازه دفن هم به کسی نمی دادند.

در خبر دیگری که به دستمان رسیده است سپاه پاسداران تا ۸ کیلومتر از جلوی درب ورودی خاوران نیرو چیده و به جد مانع از ورود نفرات به خاوران میشود، موبایل ها را چک میکنند، کارتهای شناسایی نفرات را میگیرند و کیف دستی ها را کامل زیر و رو میکنند.

خبر فوری از خاوران

ساعت ۹:۳۰ دقیقه صبح

سلام دمکرات: تمامی راه های منتهی به گلزار خاوران توسط نیروهای امنیتی و انتظامی مسدود شده است و کلیه ی افرادی که برای یادبود بیستمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی به خاوران رفته بودند، از جمله خانواده های قربانیان، برگردانده شده اند. همچنین کارت شناسایی و گواهینامه ی افرادی را که برای ورود به جاده منتهی به گلزار خاوران اصرار می ورزیده اند ضبط کرده و به ایشان دستور داده اند که خود را به پلیس امنیتی در میدان سپاه معرفی کنند. از جمله افرادی که می بایست خود را معرفی نمایند آقای رضا اقدسی و خانم صبحناز عمرانی می باشند. اسامی دیگران و خبرهای تکمیلی تا ساعاتی دیگر مخابره خواهد شد.

خاوران در محاصره ی سرکوبگران

صبح ناز

۸ صبح زود عازم خاوران شدیم. به محض ورود به جاده ی خراسان(خاوران) متوجه استقرار گله به گله ی نیروها و ماشین های پلیس شدیم. جلوتر گاردهای ضد شورش نیز در میان شان نمایان شد و باز هم نزدیک تر، لباس شخصی ها هم ظاهر گشتند.

به میدان گل که رسیدیم، برای خرید گل پیاده شدیم. در آنجا عده ی زیادی که بعضاً چهره های آشنایی داشتند، مشغول خرید بودند. از فروشندگان پرسیدیم که چقدر فروش داشته اند و جواب دادند: "خیلی زیاد. حتی یکدسته صد، صد و پنجاه نفری هم آمدند و گل خریدند". از پاسخ آنان مطمئن شدیم که مراسم برقرار است و با شادی و بدون اعتنا به به نیروهای امنیتی و گارد شورش و لباس شخصی هایی که هر چه جلوتر می رفتیم بیشتر و متراکم تر می شدند، عازم گلزار گشتیم. اما هنگامیکه از سمت راست بزرگراه از جلوی جاده ورودی گلزار گذشتیم، شادی مان به یأس تبدیل شد. شاید یکصد نفر لباس شخصی و لباس نظامی و گارد ضد شورشی جاده خاکی ورودی به خیابان گلزار را با مخروطی ها و نرده بسته بودند. چشم های ایشان، که اینک در هر قدم ایستاده بودند، تا توی ماشین ها را نیز به دنبال بهانه ای

برای دستور به توقف و آزار کسانی که قصد شرکت در مراسم را داشتند، می‌کاوید. می‌دانستیم که اگر حرکتی بکنیم و موبایل‌هایمان را برای عکس برداری بالا بیاوریم، متوقف مان خواهند کرد و اگر خودمان را بازداشت نمی‌کردند، حتماً تلفن‌های مان را می‌گرفتند.

دور که زدیم، تا به نزدیکی جاده ی خاکی ورودی گلزار، موتور سواری به دنبلمان افتاد. سربازان وظیفه مستقر در آنجا، پنهانی از چشم افسران به ما اشاره می‌کردند که به راهنما ادامه دهیم و توقف نکنیم. به جاده که رسیدیم، دیدیم که بر خلاف دوران‌های گذشته که از ورود ماشین‌ها جلوگیری می‌کردند، راهی بود که پیاده می‌توانستیم تا درب ورودی گلزار بالا برویم، این بار کاملاً مسدود بود و پیادگان را نیز وادار به بازگشت می‌کردند. در چنین مواقعی، یکی دو راه فرعی و خاکی بود که می‌توانستیم پنهان از چشم نیروهای انتظامی و لباس شخصی‌ها خود را به نزدیک مزار برسانیم، اما این بار، در آنجا نیز گروه‌های گشتی را مستقر کرده بودند تا هیچکس نتواند خط محاصره ی گلزار شهدا را بشکند. در دل به دختر عمویم آفرین گفتم که جنازه ی خاک شده اش نیز چنین هراسی را به دل سرکوبگران انداخته است.

وقتیکه به آخرین راهی که امید بسته بودیم رسیدیم، ماشین دیگری را دیدیم که سرپائینی می‌آمد و به ما اشاره می‌کرد که تلاشمان بیهوده است و "بازگردید". اما دل پر امید را نمی‌توان با اشاره مهار کرد. پس باز هم راه رفته را رفتیم. اینک برای نیروهای انتظامی و امنیتی مسجّل شده بود که به چه منظور آنجا آمده ایم. دستور "ایست" دادند و جلو آمده و بدون سؤال و جوابی کارت‌های شناسایی مان را گرفتند و گفتند: "تشریف ببرید میدان سپاه، پلیس امنیتی."

در راه بازگشت به این نتیجه رسیدیم که رفتن به پلیس امنیتی میدان سپاه، بازداشت چند ساعته را در پی خواهد داشت تا مطمئن شوند که دیگر به گلزار باز نمی‌گردیم. پس رفتن مان سودی نداشت. از پشت شیشه‌های ماشین و نگاه به ارمیده‌های سرخ و دلی‌آکنده از درد، بیستمین سال شهادت شان را پاس داشتیم.

روانشان شاد

راهشان پر رهرو باد

هشتم شهریور ۱۳۸۷

ضرب و شتم گردآمدگان در گورستان خاوران

صبح روز جمعه، ۸ شهریور، خانواده‌ها و دوستان اعدام‌شدگان سال ۱۳۶۷ برای گرامی‌داشت یاد عزیزانشان به گورستان خاوران رفتند، اما با ممانعت نیروهای انتظامی و نیز ضرب و شتم توسط لباس شخصی‌ها روبرو شدند. به گفته‌ی شاهدان عینی، حتی بازار گلی که در نزدیکی گورستان خاوران قرار دارد و همه ساله خانواده‌ها از آنجا برای مزار عزیزانشان گل تهیه می‌کنند نیز پر از نیروهای



انتظامی بود.

ساعت هشت صبح روز جمعه، هشتم شهریورماه به رسم بیست سال گذشته، جمعی از خانواده‌ها و دوستان اعدام‌شدگان سال ۱۳۶۷ به منظور گرامی‌داشت یاد فرزندان، همسران، و یارانشان راهی گورستان خاوران در جنوب شرقی تهران شدند. آن‌ها به رسم تمامی این سال‌ها ابتدا در گلستان رضا توقف کردند تا برای مزار عزیزانشان دسته‌گلی تهیه کنند، اما

تمامی محوطه بازار گل پر از نیروهای انتظامی بود.

اکبر معصومیگی عضو هیأت دبیران کانون نویسندگان و از شاهدان عینی روز جمعه‌ی خاوران، فاصله‌ی میدان گل تا گورستان خاوران را این گونه توصیف می‌کند: «در تمام طول مسیری که از آن میدان گل می‌گذشتیم تا به خود گورستان خاوران برسیم، شاید مثلا در فاصله‌های نیم‌کیلومتری، حداکثر، ماشین‌های پلیس و نیروی انتظامی ایستاده بودند. وقتی ما آن بریدگی را که باید از آن جاده برگردی، دور زدیم، در حقیقت جاده‌ی خراسان را برگشتیم به طرف خاوران، دیدیم که تمام آن دیواری را که به گورستان خاوران منتهی می‌شود، حصارها و نرده‌های آهنی کشیده‌اند».

به گفته‌ی شاهدان عینی، قطعه‌زمینی که نام گورستان خاوران را بر خود دارد و مدفن بیش از چهار هزار زندانی سیاسی و عقیدتی است، به طور کامل توسط حصارهای آهنی بسته شده و امکان ورود افراد پیاده نیز به آن نبوده‌است. حاضران وقتی می‌بینند که امکان ورود به گورستان را ندارند، دور زده و حدود یک کیلومتر دورتر برای تصمیم‌گیری و این‌که چه باید بکنند خودروها را متوقف می‌کنند.

حمله موتورسواران

معصومیگی مشاهداتش را این گونه بیان می‌کند: «از آنجا که گذشتیم، وقتی که در یک فاصله‌ی دورتر، شاید یک کیلومتر آنورتر، دوستان نگه داشته بودند که چه بکنند و می‌خواستند گل‌هایی را که خریده بودند ببرند سر مزار، موتورسوارهایی که اینها را تعقیب می‌کردند، آمدند و شروع کردند به درگیر شدن با جمعیت و به اصطلاح کتک‌کاری کردن. البته کتک‌کاری یک‌طرفه و بعد شکستن شیشه‌ی ماشین‌ها. شیشه‌ماشین‌ها را خرد می‌کردند، از جمله ماشینی که خود من سوارش بودم شیشه‌ی عقب‌اش را با آجر خرد کردند. آجر را پرت می‌کردند و هیچ ملاحظه‌ای نداشتند که ممکن است این آجر به سروکله‌ی کسی بخورد. نمره‌های ماشین‌ها را می‌کنند».

ناصر زرافشان در صحنه

ناصر زرافشان، وکیل و عضو دیگر هیأت دبیران کانون نویسندگان که در قسمت دیگری از محل درگیری‌ها حضور داشته احتمال می‌دهد که چند نفر توسط نیروهای انتظامی دستگیر شده‌باشند. از آنجا که گفت و گو با زرافشان حوالی ظهر جمعه صورت گرفته، وی تصریح می‌کند که برای به دست آوردن اخبار دقیق‌تر باید منتظر گذشت زمان شد. او می‌گوید: «جمعیت پراکنده شدند، گروهی ظاهرا به طرف قطعه‌ی ۳۳ بهشت زهرا رفتند که اعدامی‌های قبل از ۶۷ و اعدامی‌های دوران شاه در آنجا مدفون‌اند و بعضی دیگر هم در حوالی خاوران به زدو خورد و جنگ و گریز با نیروهای مختلفی که در آن منطقه مستقر شده بودند ادامه می‌دادند. هنوز تصویر خیلی شفاف و روشنی از این که مالا چه اتفاقی افتاده، یا چه تعدادی دستگیر شدند، وجود ندارد. یک چیزهایی از کسانی که آمده بودند ضبط شده مثل دوربین و موبایل و اینجور چیزها. احتیاج به زمان هست تا بتوانیم شفاف‌تر درباره‌اش حرف بزنیم».

احضار و تهدید بازماندگان

از چندروز مانده به هشتم شهریور، تعدادی از خانواده‌های اعدام‌شدگان و نیز فعالان سیاسی و اجتماعی به دادگاه انقلاب احضار شدند که یکی از آنها به نام علیرضا ثقفی مدت کوتاهی نیز بازداشت شد. به گفته‌ی ناصر زرافشان که خود یکی از احضارشدگان بوده، محور بازجویی‌ها مراسم خاوران و راضی

کردن افراد برای برگزار نکردن مراسم امسال بوده است.

زرافشان در این مورد چنین می‌گوید: «از هفته‌ی گذشته احضارها، اخطارها و یورش به جمع مادران جان‌باختگان در منزل خانم سرحدی‌زاده و جلب مادران به مراجع انتظامی و امنیتی و احضار فعالان اجتماعی وجود داشت. من خودم و تعداد دیگری از فعالان اجتماعی در دو هفته‌ی گذشته احضار شده بودیم و صحبت‌هایی در این زمینه کرده بودند. ما هم حرف‌های خودمان را زده بودیم».

تهدیدهای تلفنی

به تعداد دیگری از فعالان و خانواده‌ها نیز تلفنی اعلام شده بود که نیروهای انتظامی دستور درگیری دارند و در صورت حضور در خاوران حتما درگیری پیش خواهد آمد. اکبر معصومی‌بیگی، که خود نیز با تماس تلفنی از حضور در خاوران منع شده بود، معتقد است فشارهای امنیتی روز به روز بیشتر شده و گویا قصد بر این است که اجرای اعدام دسته‌جمعی سال ۶۷ فراموش شود. او می‌گوید: «حق ما است که برویم سر این مزارها. ما دادخواه این کشته‌شدگان هستیم. به این سادگی‌ها هم نیست که شما یکبار، دوبار، یکسال جلوگیری بکنید و دیگران فکر کنند که نباید بروند سر مزار عزیزانشان».

همه‌ساله در آستانه شهریورماه که سالگرد اعدام‌های دسته‌جمعی سال ۱۳۶۷ است، از طرف نیروهای امنیتی تماس‌هایی با خانواده‌ها برقرار می‌شود تا آنان را از رفتن بر سر مزار فرزندان و همسرانشان باز دارند اما تا سال گذشته، هر سال این مراسم بدون خشونت و درگیری فیزیکی انجام می‌شد.

ناصر زرافشان می‌گوید تماس‌ها و تهدیدهای امسال و نیز عملکرد نیروهای امنیتی در روز جمعه، با بقیه سال‌ها تفاوت داشت: «امسال فرق می‌کرد. سالهای گذشته حضور داشتند، از قبل این احضارها و اخطارها بود، ولی لااقل در این حد بود که خانواده‌های این جان‌باختگان بتوانند برای ادای احترام به فرزندان، به شوهرانشان، به پدرها و مادرهایشان به خاوران بروند. تا آن حد جلوگیری نمی‌کردند، ولی امسال راه‌ها کاملاً بسته‌تر بود، منطقه را بسته بودند و اوضاع و احوال متفاوت بود».

مردادماه سال ۱۳۶۷ بعد از عملیات «فروغ جاویدان» توسط نیروهای سازمان مجاهدین خلق، آیت‌الله خمینی کتبا دستور داد کلیه زندانیانی را که هنوز بر عقیده‌شان پابرجا هستند، اعدام کنند.

تعداد زیادی از این زندانیان، دوران محکومیت خود را سپری کرده و منتظر آزادی خود بودند.

هنوز هیچ آمار رسمی و دقیقی از تعداد اعدام‌شدگان آن سال منتشر نشده اما آمار غیررسمی که توسط خانواده‌های قربانیان و نیز بازمانده‌های زندانیان سیاسی آن سال‌ها تهیه شده، رقمی بیش از چهار هزار نفر را شامل می‌شود.

میترا شجاعی

۲۹-۰۸-۲۰۰۸

دوپیچه وله